

رابطه دولت - جامعه در کشورهای منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا بعد از تحولات حوزه عربی در سال ۲۰۱۱

احمد زارعان^۱، * آرش سعیدی راد^۲

۱. استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران
۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشکده علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه یزد، یزد، ایران

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۰ شهریور ۱۴۰۲
تاریخ پذیرش: ۲۰ آبان ۱۴۰۲
تاریخ انتشار: ۲۰ خرداد ۱۴۰۳

چکیده

تحولات کشورهای عربی منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا، که در سال ۲۰۱۰ آغاز شد و در سال ۲۰۱۱ به اوج خود رسید و به «بهار عربی» یا «بیداری اسلامی» معروف شده است، توجه اغلب پژوهشگران و کارشناسان مسائل سیاسی رادر مورد علل، زمینه‌ها، ماهیت و فرجام این تحولات به خود جلب کرده است. بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد این تحولات ناشی از نارضایتی عمیق مردم کشورهای عربی منطقه از ناکارآمدی، فساد و بی‌عدالتی سیستماتیک و نهادینه‌شده در نظام ساختاری و کارگزاری دولت‌های متبوع خود بوده است. بر این اساس، این پرسش مطرح می‌شود که ناآرامی‌های اجتماعی و اعتراض‌های مردمی سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ در کشورهای عربی منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا چه تأثیری در روابط دولت و جامعه داشته است؟ در راستای پاسخ به این پرسش، داده‌ها با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و برخط گردآوری و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی بررسی و تحلیل شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد بر اساس رهیافت قرارداد اجتماعی، ملت‌های منطقه در اعتراض‌های گسترده و دامنه‌دار خود، به دنبال انعقاد قرارداد اجتماعی جدیدی بودند که بر اساس آن، منافع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و هویتی آنها تأمین شود. دولت‌های منطقه در مواجهه با این اعتراض‌ها طیف متنوعی از سیاست‌های کنترل و مهار را اتخاذ کردند؛ اما در نهایت دولت‌های مصر، تونس، لیبی و یمن سقوط کردند و در سوریه، اردن، بحرین و عربستان سعودی سیاست‌ها و راهبردهای کنترل و مهار اعتراض‌ها با موفقیت همراه شد. در نهایت، هیچ‌یک از حرکت‌های اعتراضی به تجدید قرارداد اجتماعی موجود و شکل‌گیری قرارداد اجتماعی جدید منجر نشد. از آنجا که علل و زمینه‌های اعتراض‌های مردمی در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ کم‌کم در کشورهای مورد مطالعه وجود دارند پیش‌بینی می‌شود این کشورها شاهد امواج جدیدی از اعتراض‌های مردمی در آینده باشند.

کلیدواژه‌ها:

بهار عربی، بیداری اسلامی، قرارداد اجتماعی، دولت، جامعه.

* نویسنده مسئول:

آرش سعیدی راد

نشانی:

دانشکده علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه یزد، یزد، ایران
پست الکترونیک:

saeidi1arash@gmail.com

استناد به این مقاله:

زارعان، احمد و سعیدی راد، آرش (۱۴۰۳). رابطه دولت - جامعه در کشورهای منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا بعد از تحولات حوزه عربی در سال ۲۰۱۱. *مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*. ۱۶(۱)، ۸۷-۱۰۸.

۱. مقدمه

بررسی علل، زمینه‌ها، ماهیت و فرجام اعتراض‌های مردمی کشورهای عربی منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا، که در سال ۲۰۱۰ آغاز شد، توجه بسیاری از کارشناسان و پژوهشگران مسائل سیاسی را به خود جلب کرده است. هدف اصلی این اعتراض‌ها، که در پی ناکارآمدی مزمن و فساد سیستماتیک و نهادینه‌شده در دولت‌های عربی آغاز شده بود، تغییر ماهیت و شکل روابط جامعه و دولت بود؛ به نحوی که قدرت اجتماعی بتواند اثر تعیین‌کننده‌ای بر قدرت اجتماعی داشته باشد، نه وضعیتی که در آن، قدرت سیاسی کل مناسبات نظام اجتماعی را تعیین کند. این اعتراض‌ها با واکنش دولت‌های عربی مواجه شد و به سرنگونی نظام‌های سیاسی در تونس، مصر، لیبی و یمن منجر شد؛ اما در سوریه، اردن، بحرین و عربستان سعودی به دلیل اتخاذ و اجرای موفقیت‌آمیز سیاست‌ها و راهبردهای مدیریت و مهار بحران اعتراض‌های مردمی به سقوط دولت در این کشورها منجر نشد.

از آنجا که این بحران‌ها در این منطقه در امنیت دیگر کنشگران منطقه تأثیرگذار خواهد بود، ضروری است به این موضوع پرداخته شود؛ بنابراین هدف این مقاله شناخت روابط فعلی جامعه و دولت در کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا و پاسخ به این پرسش است که «انآرامی‌های اجتماعی و اعتراض‌های مردمی سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ در کشورهای عربی منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا چه تأثیری در روابط دولت و جامعه داشته است؟» این مقاله برای پاسخ به سوال تحقیق از روش توصیفی-تحلیلی و برای گردآوری داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای و برخط استفاده کرده است. در این مقاله از نظریه قرارداد اجتماعی به‌عنوان چهارچوب نظری بهره گرفته شده است. شایان ذکر است قلمرو تحقیق به کشورهای تونس، مصر و لیبی در شمال آفریقا و یمن، اردن، لیبی، سوریه و عربستان سعودی در غرب آسیا محدود می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

مقاله «قرارداد اجتماعی ابزاری تحلیلی برای کشورهای خاورمیانه و فراتر از آن»^۱، نوشته لئو مارکوس و برنارد ترانترو و تینا زینتل، به مفهوم قرارداد اجتماعی به‌عنوان روابط دوطرفه حاکمیت و جامعه می‌نگرد. از دید نویسندگان، اصطلاح «قرارداد اجتماعی» تاکنون نه به‌خوبی تعریف شده و نه عملیاتی شده است. رویکرد تحلیلی ساختاریافته کتاب به روابط دولت-جامعه هم

1. The Social Contract: An Analytical Tool for Countries in the Middle East and North Africa (MENA) and Beyond

در پژوهش و هم در سیاست منجر به تحلیل دقیقی از ۱- دامنه قراردادهای اجتماعی و ۲- ماهیت آنها شده است. از دید نویسندگان این کتاب، پس از عصر استقلال‌ها در خاورمیانه، دولت‌های مناسبتی خاصی از قراردادهای اجتماعی را با شهروندان ایجاد کردند که عمدتاً مبتنی بر توزیع مجدد اجاره از منابع طبیعی، کمک‌های توسعه‌ای و سایر اشکال نقل و انتقال‌ها بود. آنها غذا و انرژی یارانه‌ای، آموزش عمومی رایگان و مشاغل دولتی را در جبران به رسمیت شناختن ضمنی مشروعیت رژیم‌های سیاسی علی‌رغم مشارکت نکردن سیاسی به شهروندان ارائه کردند؛ اما با افزایش جمعیت و کاهش درآمدهای دولتی، برخی از دولت‌ها توانایی‌شان در انجام وظایف‌شان را از دست دادند و هزینه‌های خود را روی گروه‌های اجتماعی مهم و استراتژیک متمرکز کردند و به‌طور فزاینده‌ای تأمین منابع را به رضایت سیاسی گره زدند. قیام‌های رخ داده در سال ۲۰۱۱ در بسیاری از کشورهای عربی را می‌توان بیان نارضایتی عمیق از قراردادهای اجتماعی دانست که دیگر نه مشارکت سیاسی بود و نه مزایای اجتماعی قابل توجهی (حداقل برای بخش بزرگی از مردم) ارائه می‌کرد (Loewe and Others, 2019). این مقاله در رویکرد بررسی شواهد و نیز ارائه استدلال و متغیرهای مستقل و وابسته به شدت تحت تأثیر رویکرد نو شرق‌شناسانه و در تلاش است تا ادبیات دولت و رشکسته را، که دولت نو محافظه‌کاران آمریکای مطرح کرده، گسترش دهد و این نقطه تفاوت این مقاله با اثر پژوهشی پیش رو است.

مهدی زیبایی مقاله‌ای را با عنوان «جامعه‌شناسی تاریخی قرارداد اجتماعی در جهان عرب» منتشر کرده است. این مقاله با رویکرد توصیفی-تحلیلی در پرتو نظریه جامعه‌شناسی تاریخی روابط بین‌الملل، قرارداد اجتماعی جهان عرب را در یک چشم‌انداز تاریخی بررسی کرده است. نویسنده ضمن تمرکز بر قرارداد اجتماعی منتهی به ناآرامی‌های عربی، پاره‌ای از موانع شکل‌گیری قرارداد اجتماعی و فراگیر در جهان عرب را بررسی کرده است (Zibaei, 2021). یداله دادگر و حسن محمودوند «رابطه نابرابری و ناآرامی‌های اجتماعی؛ ایران و کشورهای منتخب» را بررسی کرده‌اند. نویسندگان با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به این جمع‌بندی رسیده‌اند که نابرابری (مستقیم و غیرمستقیم) عامل مهمی در شکل‌گیری ناآرامی‌های سیاسی-اجتماعی است؛ زیرا موجب کاهش سرمایه‌داری و تهدید حقوق مالکیت شده است (Dadgar & Mahmoodvand, 2022).

شانتین دیورجن^۲ و النا ایانچوویکین^۳ مقاله‌ای را با عنوان «قرارداد اجتماعی شکسته‌شده؛

2. Shantayanan Devarajan

3. Elena Ianchovichina

نابرابری اندک به بهار عربی انجامید»^۴ منتشر کرده‌اند. نویسندگان این مقاله تلاش کرده‌اند بر اساس روش توصیفی- تبیینی نابرابری‌های اجتماعی را بررسی کنند. تمرکز بر آمار و ارقام اقتصادی کشورهای منطقه (عرب‌نشین) در طول دهه پیش از موج اول ناآرامی‌ها مشخص می‌کند که علی‌رغم پایین بودن نابرابری ثروت در مقایسه با دیگر مناطق جهان برحسب شاخص‌های مختلف مالی، نابرابری درآمدها، کاهش استانداردهای زندگی، نارضایتی از کیفیت خدمات عمومی، کمبود مشاغل رسمی دولتی، فساد زمینه بروز ناآرامی‌ها را فراهم کرده است (Devarajan & Ianchovichina, 2018). این مقاله می‌تواند در شاخص‌ها به مقاله پیش رو کمک کند؛ اما ناآرامی‌های اجتماعی، روابط دولت و جامعه در غرب آسیا از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۲ در آن بررسی نشده است.

بررسی ادبیات پژوهش نشان می‌دهد خلأ تحقیقات مربوط به تأثیر ناآرامی‌های اجتماعی در روابط دولت- جامعه احساس می‌شود و از آنجا که پژوهش حاضر ناآرامی‌های اجتماعی و روابط دولت و جامعه در کشورهای منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا را روش‌مند بررسی کرده، می‌تواند از ارزش پژوهشی بالایی برخوردار باشد.

۳. چهارچوب مفهومی

الف- قرارداد اجتماعی

مفهوم قرارداد اجتماعی برای توجیه مشروعیت دولت و حکومت مطرح شده است. توماس هابز، جان لاک و ژان ژاک روسو از متفکران مهم این نظریه هستند و هریک به نحوی قرارداد اجتماعی را ترسیم کرده‌اند (Agostino & Gaus, 2021: 65). قرارداد اجتماعی اندیشه‌ای است که تاریخ آن به یونان باستان بازمی‌گردد و دلالت بر توافق صریح بین اعضای یک جامعه پیرامون چگونگی ارتباط با یکدیگر و با نظام سیاسی حاکم دارد. در واقع ابزاری است که بنا به خواست ملت به وجود آمده و مأموریت دارد جامعه داوطلبانه و ماقبل سیاسی شهروندان را ایمن کند و توسعه دهد (yazdani, 2012: 337-339). دولت نباید بدون در نظر گرفتن خواست جامعه، به دنبال منافع شخصی و حفظ قدرت باشد، بلکه باید به‌عنوان ابزاری بی‌طرف در دست همه شهروندان عمل کند. همچنین شرکت در اراده عمومی برای رسیدن به خیر مشترک عمومی باشد (Akhavan Kazemi & Veici, 2012: 9-10). قرارداد اجتماعی تحول اساسی در جامعه ایجاد و در نتیجه

4. A Broken Social Contract, Not High Inequality, Led to the Arab Spring

انسان را به موجودی عقلانی تبدیل می‌کند و به جای اعمال خواسته‌های نفسانی و جسمانی بر طبق نقشه‌ای معین و با ملاحظه منافع بلندمدت عمل می‌کند. در روابط دولت و جامعه بر پایه قرارداد اجتماعی، افراد با اطاعت از قوانین در واقع از اراده خودشان پیروی می‌کنند. از این رو، رسیدن به قرارداد اجتماعی یک امر لازم و ضروری است (Foisneau, 2010: 95-96). قرارداد اجتماعی متضمن کوچک شدن حوزه نفوذ دولت در دخالت‌های زندگی اجتماعی و اقتصادی شهروندان است. این محدودیت‌ها دولت‌های منطقه را بر سر دوراهی انتخاب (واگذاری امور به مردم) و سرکوب (تداوم سلطه بر زندگی مردم) قرار داده است.

با توجه به ماهیت نظام سیاسی در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا، الگوی حکمرانی و روابط میان دولت و جامعه در گذشته بر اساس آموزه‌های دینی - مذهبی به‌جای مانده بود؛ اما با شکل‌گیری دولت‌های جدید در نیمه اول قرن بیستم در این منطقه، روابط دولت و جامعه وارد مرحله‌ای جدید و دستخوش تغییر اساسی شد. البته از آنجا که دولت‌های جدید عمدتاً برآمده از توافق دولت‌های استعماری وقت (بریتانیا و فرانسه) مانند قرارداد سایکس - پیکو هستند، رد پای دولت‌های مذکور در قرارداد اجتماعی غرب آسیا نیز قابل مشاهده است.

بنابراین قرارداد اجتماعی در غرب آسیا و شمال آفریقا به‌نوعی معطوف به محیط بیرونی و فشارهایی است که قدرت‌های بزرگ و نهادهای بین‌المللی اعمال می‌کردند. در واقع قرارداد اجتماعی فیما بین دولت و جامعه در این منطقه به‌شدت تحت تأثیر اقدامات بازیگران خارجی بود. حمایت این قدرت‌ها از یک دولت می‌توانست تعهدات آن دولت در اجرای قرارداد اجتماعی را کاهش یا افزایش دهد و مشارکت را محدود کند یا افزایش دهد؛ اما به مرور زمان جوامع پی بردند که برای دستیابی به قرارداد اجتماعی متکی به روابط دولت و جامعه بدون دخالت قدرت‌های بزرگ، نیازمند بازتعریف رابطه با دولت‌های خود هستند. به همین دلیل، اغلب دولت‌ها بعد از اعتراض‌های ۲۰۱۱ تاکنون تلاش کرده‌اند از طریق بازتعریف صوری قرارداد اجتماعی موجود، مؤلفه‌های ارتباطی جدیدی بین خود و جامعه ایجاد کنند؛ اگرچه قرارداد اجتماعی مذکور دارای کم‌وکاستی‌های فراوانی است (Karasapan, 2015: 1).

به‌طور کلی، عناصر اصلی ظهور قرارداد اجتماعی قوی در منطقه غرب آسیا وجود یک دولت کارآمد، پاسخگو، متعهد به شفافیت، حکومت قانون، احترام به آزادی و حقوق اساسی، دارای بنیه اقتصادی، حل معضل بیکاری، توزیع عادلانه منابع فزاینده از گرایش‌های هویتی فرو

و فراملی، التزام عملی به برابری طبقات اجتماعی، وجود نهادهای نظارتی و قضایی بی طرف و برخوردار از نظام آموزشی نقاد و خلاق است (Rousseau, 2005: 20-25)؛ اما به نظر می‌رسد با گذشت یک دهه از ناآرامی‌های اجتماعی در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا، هنوز قرارداد اجتماعی جدیدی، که به روابط جدیدی بین دولت و جامعه منجر شود، شکل نگرفته است. شایان ذکر است قرارداد اجتماعی جدید علاوه بر تأثیرپذیری از محیط داخلی، مستقیم یا غیرمستقیم از محیط بین‌الملل هم تأثیر می‌گیرد.

ب- ناآرامی‌های اجتماعی

بحران‌های اجتماعی پدیده‌هایی هستند که تعادل، امنیت و سلامت اجتماعی را جدی تهدید می‌کنند؛ اما هم ماهیت و هم منشأ اجتماعی دارند و به شکل تعارض‌های اجتماعی، ناآرامی، فشارهای برهم‌زننده سیاسی، شورش‌ها و اعتصاب‌های بی‌مه‌ار برای درخواست‌های اقتصادی و همانند آنها ظاهر می‌شوند.

در مجموع ناآرامی‌های اجتماعی یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مسائل در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا در یک دهه اخیر بوده است. اعتراض‌هایی که از سال ۲۰۱۰ آغاز شد و در سال ۲۰۱۱ به اوج خود رسید، رویدادهای اجتماعی، فرهنگی، مذهبی، سیاسی و اقتصادی است که از آن با عنوان «بهار عربی» یا «بیداری اسلامی» یاد شده است. گسترش امواج ناآرامی‌ها باعث شد میلیون‌ها نفر به آینده بهتر و عادلانه‌تر امیدوار باشند؛ اما این امیدواری و خوش‌بینی سرابی بیش نبود؛ زیرا از همان ابتدا خواسته‌های مردمی به صورت سطحی در نظر گرفته شدند و مشکلاتی که مردم به دنبال رهایی از آن‌ها بودند کماکان وجود دارند. از این رو، ناآرامی‌های اجتماعی هر چند حرکتی الهام‌بخش بود؛ اما منجر به اصلاحات عمیق در تمام حوزه‌ها نشد و به مشکلات اقتصادی، اجتماعی و آشفتگی سیاسی و حتی جنگ داخلی و نظامی منجر شد. البته در پی این اعتراض‌ها دولتمردان دریافته‌اند که دیگر نمی‌توانند فساد، بی‌کفایتی و خشونت را انکار کنند و مجبور شدند اصلاحات سطحی را برای کاهش اعتراض‌ها انجام دهند (Aramesh & Abedi, 2016: 40)؛ اما اصلاحات صورت‌گرفته که در برخی از کشورها مانند مصر و تونس به تغییر حکومت منجر شد؛ نتایج مثبتی در برنداشت و شکاف بین جامعه و دولت بر سر اصلاحات سیاسی و اقتصادی را بیشتر کرد (Raid Khan and other, 2019: 46-47).

۴. بررسی ناآرامی‌های اجتماعی در کشورهای عربی خاورمیانه و شمال آفریقا (۲۰۱۱ تا ۲۰۲۲)

۴-۱. تونس

در سال ۲۰۱۱، اعتراض‌های گسترده مردم تونس به فساد و ناکارآمدی، به ۲۳ سال حکومت «زین‌العابدین بن‌علی» پایان داد. این اعتراض‌ها در پی خودسوزی «محمد بوعزیزی»، دست‌فروش تونسی، در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۰ آغاز شد (Aramesh & Abedi, 2016: 44) و به‌سرعت بسیاری از کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا را تحت تأثیر قرار داد. تونس تنها کشور در خاورمیانه و شمال آفریقا است که درگیر بهار عربی بود که بعد از اعتراض‌ها تغییرات نسبتاً جدی در رابطه دولت و جامعه را تجربه کرد؛ اما این گذار با فرازونشیب زیادی روبه‌رو بود. انتظار می‌رفت بعد از ترورهای سیاسی در سال ۲۰۱۴ و انتخابات در این کشور، شاهد گسترش اعتراض‌ها باشیم؛ اما با تشکیل دولت ائتلافی مانع گسترش ناآرامی‌های اجتماعی شده‌اند. در واقع اعتراض‌های پراکنده و نامنظم در این کشور با ائتلاف جریان‌های سیاسی و اعمال اصلاحات در قانون اساسی مهار شد. اقتصاد تونس در سال‌های اخیر شاهد رشد آهسته و ناپایدار در حدود یک درصد است و نرخ بالای بیکاری و تورم هم کاهش یافته است. دریافت وام ۲/۸ میلیارد دلاری از صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۱۶ در بهبود وضع اقتصادی این کشور مؤثر بوده است. علی‌رغم بهبود شرایط اقتصادی این احتمال وجود دارد که آتش اعتراض‌ها مجدداً زبانه بکشد؛ زیرا تونس کماکان با معضل فساد و نابرابری دست‌وپنجه نرم می‌کند و وعده‌ها هنوز در حد شعار باقی مانده‌اند. یکی از دلایل اصلی اعتراض‌های کارگری در سال ۲۰۱۹ و اعتراض‌های مردمی در سال ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ همین فساد و نابرابری بود.

۴-۲. مصر

پس از آغاز اعتراض‌های گسترده در تونس، خیابان‌های مصر نیز مملو از معترضان به دیکتاتوری حسنی مبارک و شرایط نامناسب سیاسی و اقتصادی بود. این اعتراض‌ها در نهایت به سقوط مبارک منجر شد. یک سال بعد محمد مرسى، وابسته به جنبش اخوان المسلمین، با کسب ۵۱ درصد آرا در انتخابات ریاست جمهوری پیروز شد. دوران ریاست جمهوری مرسى بسیار کوتاه بود و وی پس از حدود یک سال از آغاز دوران ریاست جمهوری، با کودتای ارتش به فرماندهی عبدالفتاح سیسی از قدرت برکنار، بازداشت و محاکمه شد. مصر تحت رهبری السیسی تلاش کرده است به رونق اقتصادی دست یابد و نوعی انسجام اجتماعی ایجاد کند. ۳۶ درصد از

مصری‌ها معتقدند مهم‌ترین مسئله‌ای که دولت باید به آن رسیدگی کند، اقتصاد است. انتفاضه التمویین (قیام عرضه) اعتراض‌ها را دوباره گسترش داد. در سال ۲۰۱۹، با انتشار ویدئوهای افشاگرانه علیه السیسی، اعتراض‌ها وارد فاز جدیدی شد. فقر شدید در مصر باعث نارضایتی گسترده و بروز اعتراض‌های متناوب و پراکنده در دوران ریاست جمهوری سیسی شده است. میزان فقر در مصر از ۲۵/۲ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۳۲/۵ درصد در سال ۲۰۲۲ افزایش یافته است. با این حال، سیاست مشت آهنین دولت مصر باعث شده اعتراض‌های مردمی در نطفه خفه شود. با توجه به چشم‌انداز اقتصادی ناامیدکننده مصر انتظار می‌رود نارضایتی مردم افزایش یابد و زمینه‌های اعتراضی تشدید شود.

۳-۴. لیبی

لیبی همانند مصر از تحولات تونس تأثیر پذیرفت و در فوریه ۲۰۱۱ مردم لیبی در اعتراض به چهار دهه دیکتاتوری معمر قذافی به خیابان‌ها رفتند. اگرچه چند ماه بعد معمر قذافی به دست انقلابیون کشته شد و رژیم او سقوط کرد؛ لیبی وارد یک جنگ داخلی شد که کماکان ادامه دارد. اقتصاد لیبی، که به صادرات نفت و گاز کاملاً وابسته است، در یک دهه اخیر به دلیل جنگ داخلی و بی‌ثباتی امنیتی و سیاسی دچار بحران شده است (Walter Feichtinger, 2021). پول ملی ارزش خود را از دست داده است و شکاف بین نرخ ارز رسمی و ارز ارائه‌شده در بازار سیاه باعث رشد اقتصاد سایه و افزایش تورم شده است. در این کشور قطعی گسترده برق وجود دارد که ناشی از کمبود سوخت برای تولید برق است. دسترسی به آب آشامیدنی بهداشتی، خدمات پزشکی و سایر خدمات عمومی با مشکلات جدی مواجه شده است. تولید و صادرات نفت به دلیل بسته شدن بنادر و پایانه‌های نفتی تقریباً متوقف شده است. ادامه تنش‌های سیاسی ثبات اقتصادی را دور از دسترس قرار داده است (Surya, 2016).

۴-۴. یمن

کشور یمن چندین دهه است که با مشکلات عدیده سیاسی و اقتصادی مواجه است. دامنه تحولات کشورهای شمال آفریقا در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ به یمن نیز کشیده شد و در نهایت به سقوط علی عبدالله صالح منجر شد. در ادامه، در حالی که این امیدواری وجود داشت که یک دولت مردمی در یمن زمام امور را در دست بگیرد اختلاف‌های داخلی و مداخله خارجی شرایط بغرنجی را رقم زد. در اوایل سال ۲۰۱۵، عربستان سعودی و امارات متحده به نفع برخی

از طرف‌های داخلی، ضمن محاصره یمن، جنگ گسترده‌ای را علیه سایر طرف‌ها آغاز کردند. انباشت مشکلات ناشی از چندین دهه فساد و ناکارآمدی دولت‌های پیشین، به همراه مشکلات ناشی از بی‌ثباتی داخلی، محاصره، تحریم و جنگ، شرایط بغرنجی را برای مردم یمن ایجاد کرده است. فشار جمعیت، کمبود آب شرب، صادرات نامطمئن نفت، بحران دسترسی به غذا، بهداشت و درمان، یمن را در تنگنای شدیدی قرار داده است. در مجموع پس از گذشت حدود یک دهه از اعتراض‌های مردمی به دیکتاتوری علی عبدالله صالح، یمن با بحران انسانی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی و امنیتی بی‌سابقه‌ای روبه‌رو شده است (Belhaj, 2021: 30). یمن همچنان با تهدیدهای قابل توجهی در زمینه نوسان‌های کلان اقتصادی روبه‌رو است. کاهش ارزش پول ملی باعث افزایش بهای کالاهای وارداتی شده و نرخ تورم و فقر را افزایش داده است (World Bank, 2020).

۴-۵. اردن

اردن یک نظام پادشاهی است که دو پارلمان دارد و پادشاه دارای اختیارات وسیعی است. پادشاه رئیس دولت، فرمانده کل نیروهای مسلح و مدیر اجرایی اصلی دولت است. پادشاه اعضای دادگاه قانون اساسی و شورای قضایی را، که مسئولیت معرفی قضات دادگاه‌ها را بر عهده دارد، منصوب می‌کند. پادشاه می‌تواند یک‌جانبه قوانین را تصویب و دولت را منحل کند. پس از آغاز اعتراض‌های مردمی در کشورهای شمال آفریقا، اردن نیز شاهد اعتراض‌های مردمی بود. عبدالله دوم برای مدیریت فضای اعتراضی، انتقال سیستم کنونی به یک سیستم کاملاً دموکراتیک را وعده داد؛ به نحوی که نظام سیاسی اردن را به تدریج از سلطنت مشروطه به سلطنت پارلمانی با مشارکت بیشتر شهروندان تغییر خواهد داد (Obeidat, 2016)؛ وعده‌ای که عملی نشد.

مشخصه نظام سیاسی اردن یک سلطنت قدرتمند و یک دولت و پارلمان ضعیف است. کابینه و نخست‌وزیر همچون محافظی در برابر خشم مردم عمل می‌کنند. در واقع پادشاه برای آرام کردن مردم از حربه تغییر دولت یا انحلال پارلمان استفاده می‌کند. در اردن در حالی که سلطنت در امان است، کابینه و نخست‌وزیر آماج انتقاد قرار می‌گیرند و هر زمان که پادشاه لازم بداند منصوب، ترمیم و برکنار می‌شوند. برای نمونه، در ژوئن ۲۰۱۸ و به دنبال ناآرامی‌های اجتماعی علیه اصلاح قانون مالیات، عبدالله دوم، هانی الملقی را جایگزین عمر الرزاز کرد (Hartnett, 2016). پادشاه پارلمان، اعضای سنا و رئیس آن را منصوب می‌کند، اگرچه مردم نمایندگان

مجلس را مستقیم انتخاب می‌کنند؛ اختیارات محدودی دارند.

در سال ۲۰۱۸، دولت اردن قصد داشت برای رهایی از خطر ورشکستگی، قانون اصلاح مالیات را، که از حمایت صندوق بین‌المللی پول نیز برخوردار بود، اجرا کند (Al Jazeera, 2018). همچنین طرح دولت برای افزایش قیمت سوخت و برق و کاهش یارانه برای کالاهای اساسی با اعتراض گسترده مردم مواجه شد و بزرگ‌ترین ناآرامی‌های اجتماعی طی سال‌های اخیر را به دنبال داشت. در سپتامبر ۲۰۱۹، معلمان با هدف افزایش حقوق خود به مدت یک ماه به صورت سراسری اعتصاب کردند (Al Jazeera, 2019). علاوه بر سیاست داخلی، سیاست خارجی و دیپلماسی اقتصادی دولت نیز باعث اعتراض‌های مردمی شد. در مارس ۲۰۱۹، اردنی‌ها به خیابان‌ها آمدند و خواستار لغو قرارداد بحث‌برانگیز با رژیم صهیونیستی برای تأمین گاز اردن شدند. در اردن عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی از زمان انعقاد معاهده صلح در سال ۱۹۹۴ با مخالفت‌های جدی مواجه بوده و عادی‌سازی اقدامی غیرقابل قبول تلقی می‌شود که به ضرر فلسطینی‌هاست.

به دنبال ناآرامی‌ها علیه اصلاح قانون مالیات، دولت اردن قانون مالیاتی پیشنهادی را پس گرفت. در جریان اعتراض‌های معلمان نیز دولت تسلیم خواسته‌های معلمان شد؛ اما در حوزه سیاست خارجی حاضر به عقب‌نشینی نشد و جهت‌گیری استراتژیک در مقابل صلح با رژیم صهیونیستی و تعهد خود به راه‌حل دو دولتی برای مناقشه رژیم و فلسطین را حفظ کرد (Schwedler, 2018). با توجه به بنیان‌های اقتصادی ضعیف اردن و وابستگی این کشور به کمک‌های خارجی، بدهی‌های خارجی اردن افزایش پیدا خواهد کرد و به دلیل مشکلاتی مثل فقر و بیکاری، ظهور اعتراض‌ها و ناآرامی‌های اجتماعی در این کشور محتمل است.

۴-۶ سوریه

کشور سوریه به دلیل جنگ داخلی ویرانگری که گروه‌های مسلح شورشی به نیابت از بازیگران خارجی علیه دولت این کشور به راه انداختند متحمل آسیب‌های فراوانی شده است. بر اساس شاخص‌های بین‌المللی، بر اثر پیامدهای مخرب جنگ، سوریه به یکی از سه کشور درمانده در جهان تبدیل شده است. در سوریه نیز اعتراض‌های مردمی تحت تأثیر تحولات کشورهای شمال آفریقا آغاز شد. البته در سوریه به دلیل سیاست‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی حزب بعث، زمینه‌های اعتراضی از حداقل سه دهه پیش از آغاز بحران سوریه وجود

داشت. قیام مردم حما در سال ۱۹۸۲، که دولت آن را سرکوب کرد، نشان می‌داد این زمینه‌های نارضایتی و اعتراض در حال رشد است. مخالفت دولت سوریه با اصلاحات سیاسی و اقتصادی و تداوم زمینه‌های اعتراضی باعث شد به دنبال شروع دومینو اعتراض‌های مردمی در کشورهای عربی، سوریه نیز شاهد این اعتراض‌ها باشد (Khodabakhshi, 2021: 50)؛ با این تفاوت که برخلاف سایر کشورهای عربی، آمریکا و برخی از دولت‌های منطقه از اعتراض‌های سوریه حمایت می‌کردند تا در نهایت یک دولت همسو با غرب و همراه با روند سازش با رژیم صهیونیستی در سوریه مستقر شود.

اگرچه جنگ داخلی سوریه به پایان خود نزدیک می‌شود؛ پیامدهای این جنگ ویرانگر که به کشته و زخمی شدن حداقل یک میلیون نفر و آواره شدن بیش از ۶ میلیون نفر منجر شده اقتصاد سوریه را به شدت تضعیف کرده است. بر اساس برآوردهای سازمان ملل، حدود ۱۱/۱ میلیون نفر در سراسر این کشور به کمک‌های بشردوستانه نیاز دارند. علاوه بر این، دولت سوریه علی‌رغم وعده‌هایی که برای اجرای پروژه اصلاحات داده است به دلیل درگیر شدن در یک جنگ تمام‌عیار و گسترده موفق به اجرای اصلاحات اقتصادی-سیاسی درخوری نشده است. مذاکرات سیاسی بین دولت و مخالفان نتایج مشخص و ملموسی در بر نداشته است. سقوط شدید ارزش پول ملی، اقتصاد جنگ‌زده، عدم دسترسی مناسب مردم به مراقبت‌های بهداشتی، آموزش، مسکن و غذا، پیامدهای سوئی را به دنبال داشته و میلیون‌ها نفر را در معرض بیکاری و فقر قرار داده است (UNHCR, 2020: 11). کاهش شدید صادرات نفت و اختلال در سایر بخش‌های اقتصادی مانند صنعت توریسم، بحران اقتصادی را تشدید کرده است. طبق گزارش‌های بانک جهانی از زمان آغاز اعتراض‌ها در سوریه در سال ۲۰۱۱ تا فراگیری کووید-۱۹ بیش از ۲۲۶ میلیارد دلار به سوریه خسارت وارد شده است (World Bank, 2020: 1).

۴-۷. بحرین

نظام بحرین سلطنتی است و اعضای خانواده سلطنتی مشاغل حساس و راهبردی را اشغال کرده‌اند (Herb, 1990: 109). بحرین دارای پارلمان دو مجلسی است و پادشاه ۴۰ عضو را در دو مجلس منصوب می‌کند. انتخابات پارلمان آزاد و عادلانه نیست (Freedom House, 2021). نظام سلطنتی متمرکز این کشور، که بر مبنای حکومت اقلیت بر اکثریت قوام یافته، فاقد مشروعیت عمومی است، به همین دلیل گسل‌های مذهبی در این کشور فعال شده‌اند. نزدیک به ۷۵ درصد از

جمعیت این کشور متشکل از شیعیان، نقشی در نظام ندارند (Kasbarian and Mabon, 2016: 677). هرچند در کشورهای کوچک و ثروتمند خلیج فارس استخدام نیروهای خارجی رایج است؛ اما در بحرین اساساً مهار و عدم اتکا به شهروندان شیعه (اکثریت) موجب بی‌اعتمادی گسترده‌ای میان خاندان سنی و اکثریت جمعیت شیعه شده و حکام بحرینی را بر آن داشته تا اتباع پاکستانی را، که تابعیت بحرین را دریافت کرده‌اند، به خدمت بگیرد (Barany, 2020: 253).

بحرین تنها کشور حوزه خلیج فارس بود که با ناآرامی‌های اجتماعی وسیع روبه‌رو شد. خواسته‌های معترضان اصلاحات سیاسی و رفع تبعیض علیه اکثریت شیعه بود؛ اما این خواسته‌ها به درخواست برای تغییر کامل سیستم گسترش یافت و نظام حاکم با کمک عربستان سعودی و امارات، معترضان را سرکوب کرد. حمایت از بحرین نشان داد که دولت‌های عرب حاشیه خلیج فارس نگران به قدرت رسیدن شیعیان بودند که ادعا می‌کردند جمهوری اسلامی ایران آن‌ها را تحریک کرده است (Friedman, 2012: 78). پس از سرکوب ناآرامی‌های اجتماعی، دولت بحرین گفت‌وگوی ملی و کمیسیون مستقل تحقیق بحرین (BICI) را تأسیس کرد که نشان دهد دولت بحرین به خواسته‌های معترضان و بهبود مشارکت سیاسی توجه دارد؛ اما این ابتکار به‌ظاهر نمادین دموکراتیک شکست خورد و در سال ۲۰۱۴ گفت‌وگوی ملی از بین رفت و توصیه‌های کمیسیون تحقیق نتیجه معکوس در پی داشت (Freedom House, 2021). دستگیری‌های خودسرانه و بازداشت‌های غیرقانونی افزایش یافته و دولت تعداد زیادی از بحرینی‌های معترض را سلب تابعیت کرده است (Middle East Eye, 2019). در دو سال گذشته با وجود ویروس کرونا تظاهراتی برای بزرگداشت سالگرد ناآرامی‌های اجتماعی در سال ۲۰۱۱ برگزار شد. بعد از اعدام برخی از فعالان اجتماعی - سیاسی شیعه، این ناآرامی‌های اجتماعی گسترش پیدا کرد (El Yaakoubi, 2020). دولت برای جلوگیری از اعتراض‌ها، برخی معافیت‌های مالیاتی را وضع کرد. همچنین طرح پرداخت‌های رفاهی نیز برای به حداقل رساندن ناآرامی‌های اجتماعی اجرا شد تا شرایط جدیدی در روابط دولت و جامعه بحرین ایجاد کند؛ اما دولت بحرین کماکان با ابزار سرکوب نظامی مخالفان خود را کنترل می‌کند (Middle East Eye, 2020).

۴-۸. عربستان سعودی

عربستان سعودی یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان هیدروکربن در جهان است.

سلسله آل سعود از زمان تأسیس پادشاهی بر این کشور حکومت می‌کند. عربستان سعودی تنوع بخشیدن به اقتصاد وابسته به نفت خود را با برنامه‌های جاه‌طلبانه آغاز کرده است که «سیاست تغییرات اجتماعی و فرهنگی از بالا» را نیز شامل می‌شود. اگرچه برنامه نوسازی رتبه‌های عملکرد حکومت را بهبود بخشیده است (Legatum Institute, 2019)؛ شواهدی وجود دارد مبنی بر اینکه پادشاهی سعودی از برنامه مدرنیزاسیون به مثابه پوششی برای سرکوب سیاسی استفاده می‌کند (Aziza, 2018). اقلیت شیعیان مدت‌هاست به بی‌عدالتی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی معترض‌اند. در سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۲ تحت تأثیر تحولات شمال آفریقا، منطقه قطیف در استان نفت خیز «شرقی» صحنه اعتراض‌های مردمی بود. در سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰ مجدداً در این منطقه شعله ناآرامی‌های اجتماعی زبانه کشید. پادشاهی سعودی در مواجهه با این اعتراض‌ها سیاست مشت آهنین را اتخاذ کرده است و در همین راستا تعداد زیادی از فعالان سیاسی و مدنی عربستانی زندانی یا اعدام شده‌اند.

۵. واکنش دولت‌ها به ناآرامی‌های اجتماعی

برخی از دولت‌های منطقه اعتراض‌های مردمی را با موفقیت مدیریت و مهار کرده‌اند. در این کشورها قرارداد اجتماعی و مشروعیت دولت یا پادشاه در ازای رفاه تضمین شده است. این امر انگیزه‌های اجتماعی - اقتصادی کمی برای شهروندان برای به چالش کشیدن حاکمان خود باقی می‌گذارد. کشورهای عربستان سعودی و بحرین به مدد منابع زیرزمینی (نفت و گاز) و توزیع نسبی رفاه توانسته‌اند اعتراض‌های ضددولتی را مدیریت و مهار کنند. از این منظر، از یک سو مطالبات سیاسی، غیرقابل مذاکره و مستحق سرکوب است و از سوی دیگر هرگونه مطالبه غیرسیاسی قابل مذاکره است. به همین دلیل، به استثنای شیعیان عربستان (ناآرامی‌های پراکنده) و شیعیان بحرین (ناآرامی‌های گسترده) که با سرکوب مواجه شدند؛ مابقی انگیزه‌های اعتراضی با پاسخ‌های اقتصادی مدیریت و مهار شدند. بحرین و عربستان سعودی معترضان شیعی را به شدت سرکوب می‌کنند. فعالان سیاسی، وبلاگ‌نویسان و نویسندگان بازداشت، شکنجه و حتی اعدام می‌شوند. در این دو کشور، از طریق اقداماتی مانند بازداشت غیرقانونی، اعدام، سلب تابعیت و غیره، مخالفان به شدت سرکوب می‌شوند تا از تغییر قرارداد اجتماعی جلوگیری شود و موقعیت نخبگان حاکم حفظ شود (Bank World, 2021: 1). کاهش توانایی عربستان سعودی و بحرین در تأمین رفاه نسبی و پاسخگویی به مطالبات غیرسیاسی، به اوج‌گیری اعتراض‌های مردمی منجر خواهد شد.

سوریه راه متفاوتی برای مدیریت اعتراض‌ها در پیش گرفت. سوریه مانند عربستان سعودی و بحرین کشوری ثروتمند نیست که از طریق سیاست پول‌پاشی بخش زیادی از انگیزه‌های اعتراضی را مدیریت کند. از این‌رو، دولت سوریه پس از سرکوب اولیه معترضان، راه اصلاحات سیاسی و تجدید نظر در قرارداد اجتماعی را در پیش گرفت. با این حال، مداخله گسترده خارجی و حضور جریان‌ها و سازمان‌های تروریستی و تکفیری، دولت سوریه را به سمت اتخاذ سیاست مشت آهنین سوق داد. البته ذکر این نکته ضروری است که عامل اصلی ناآرامی‌های اجتماعی در سوریه بی‌قراری هویتی ناشی از شکاف عمیق قومی- مذهبی است (saeedi rad & Others, 2022: 52).

تغییر کارگزارها نیز یکی از اقدامات دولت‌ها برای حفاظت از قرارداد اجتماعی موجود به‌شمار می‌رود. در لبنان با افزایش ناآرامی‌ها، حریری از نخست‌وزیری استعفا داد و دیاب جایگزین او شد. در عراق نیز در واکنش به ناآرامی‌ها عادل عبدالمهدی از نخست‌وزیری استعفا داد. در واقع در این دو کشور، با تغییر نخست‌وزیر نظام سیاسی طایفه‌ای، که عامل اصلی اعتراض‌ها و هدف اصلی ناآرامی‌ها بود، حفظ شد و دست‌نخورده باقی ماند. در اردن نیز ملک عبدالله دوم، هانی الملکی را به دلیل اجرا نکردن اصلاحات مالیاتی از سمت نخست‌وزیری برکنار و عمر الرزاز را جایگزین کرد تا کلیت سیستم حفظ شود.

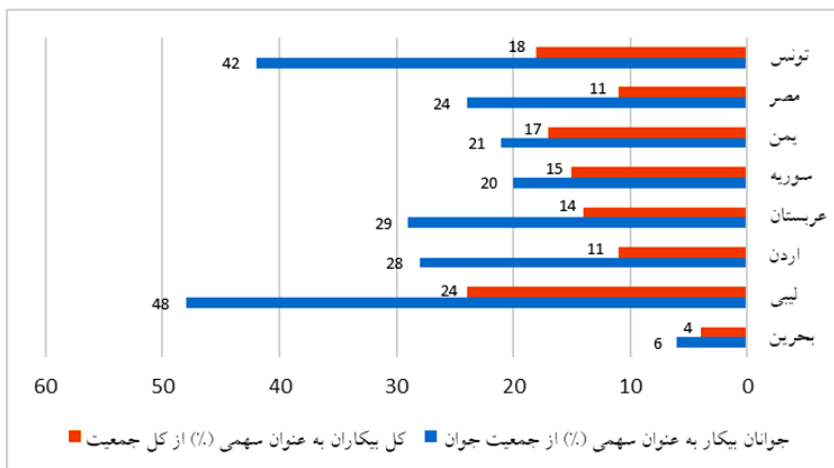
در مصر، تونس، لیبی و یمن به دلیل شدت اعتراض‌های مردمی، دولت‌های مستقر، علی‌رغم اتخاذ سیاست سرکوب علیه معترضان، سقوط کردند. در مصر و تونس دولت‌های جدید جایگزین شدند تا امیدبخش قرارداد اجتماعی جدیدی بین جامعه و دولت باشند؛ اما به دلیل آنکه در این دو کشور بر اثر اعتراض‌های مردمی فقط نظام کارگزاری تغییر کرد و ساختارهای پیشین دست‌نخورده باقی ماندند با گذشت زمان ساختارهای پیشین زمینه روی کار آمدن کارگزاران وفادار به نظم پیشین را فراهم کردند و قرارداد اجتماعی سابق احیا شد. در لیبی و یمن شرایط به گونه‌ای دیگر پیش رفت و تحت تأثیر مداخله خارجی، زمینه ایجاد یک قرارداد اجتماعی جدید، که مورد توافق همه طرف‌های اجتماعی باشد، فراهم نشد.

۶. چشم‌انداز ناآرامی‌های اجتماعی

اعتراض‌های خیابانی به اصلی‌ترین راه رسیدن مردم به خواسته‌هایشان و مبارزه با فساد، بی‌عدالتی و ناکارآمدی در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا تبدیل شده است. در یک دهه گذشته نارضایتی‌های سیاسی- اجتماعی و مطالبه برای تحقق عدالت، نیروی محرکه بسیاری

از جنبش‌های اعتراضی در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا بوده است. اگر سه عامل فساد، ناکارآمدی و بی‌عدالتی را عوامل موجد اعتراض‌ها در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا در نظر بگیریم با توجه به وجود این سه عامل در همه کشورهای مورد مطالعه و حتی وخیم شدن وضعیت این عوامل باید گفت که این عوامل، بقیه اعتراض‌های مردمی نیز به‌شمار می‌روند و ریشه‌ها و زمینه‌های اعتراضی کماکان وجود دارد.

در کشورهای مورد بررسی، نرخ بیکاری به‌ویژه در میان جوانان بالاست. این در حالی است که جمعیت جوان در این کشورها (به‌جز لبنان) در حال افزایش است. انفجار جمعیت معضل بیکاری جوانان را تشدید خواهد کرد. این در حالی است که دولت‌های مورد بررسی هنوز نتوانسته‌اند فرصت‌های شغلی مناسب و کافی برای جوانان ایجاد کنند یا شرایط زندگی را برای بخش‌های بزرگی از مردم بهبود بخشند. علاوه‌براین، در این کشورها زیرساخت‌های عمومی، مراقبت‌های بهداشتی، خدمات درمانی، آموزشی و حمل‌ونقل هم وضعیت خوبی ندارد؛ بنابراین افزایش نرخ فقر، بیکاری و گسترش نابرابری‌ها، احساس حاشیه‌نشینی، بی‌عدالتی و ناامیدی عمیقاً در بین مردم کشورهای مورد بررسی ریشه دوانده است. فساد گسترده و از آن مهم‌تر، به‌وجود آمدن تصور و احساس وجود فساد گسترده در مردم به بی‌اعتمادی فزاینده جامعه به دولت و نهادهای دولتی و ظهور اعتراض‌های گسترده یا پراکنده منجر شده است.



شکل ۱ میزان بیکاری کل و بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۵ سال در سال ۲۰۱۰ (World Bank, 2021)

۷. نتیجه گیری

در حالی که ناآرامی‌های اجتماعی در بسیاری از جوامع می‌تواند موجب اصلاح یا تجدید قرارداد اجتماعی شود ناآرامی‌های غرب آسیا و شمال آفریقا به تغییر روابط بین جامعه و دولت منجر نشد. دولت‌های مورد مطالعه از طریق سرکوب اعتراض‌ها یا ایجاد رفاه نسبی یا ترکیبی از این دو، مانع از انعقاد یک قرارداد اجتماعی بین دولت و جامعه شدند. در برخی از کشورها مانند لبنان، عراق و اردن، دولت‌ها با قربانی کردن کارگزارها و تغییر هدفمند و کنترل‌شده آنها تلاش کردند مانع از بروز تغییرات ساختاری شوند. در کشورهایی مانند تونس و مصر، اگرچه نظام کارگزاری از طریق اعتراض‌های سراسری مردمی سقوط کرد؛ ساختارها دست‌نخورده باقی ماندند و موجبات بازگشت کارگزارهای وفادار به نظم پیشین را فراهم کردند. دولت‌های عربستان سعودی و بحرین با اتخاذ سیاست توأمان سرکوب و ایجاد رفاه نسبی مانع از تغییر ساختارها و کارگزارها شدند. در لیبی و یمن اگرچه ساختارها و کارگزارها توأمان تغییر کردند؛ به دلیل مداخله خارجی و شکاف‌های داخلی عملاً قرارداد اجتماعی جدیدی، که منجر به روی کار آمدن یک دولت فراگیر شود، منعقد نشد. در سوریه دولت پس از سرکوب اعتراض‌ها در روزهای آغازین آن، وعده اصلاح قرارداد اجتماعی موجود را داد و قانون اساسی کشور را تغییر داد؛ اما مداخله گسترده خارجی و حضور تروریست‌های تکفیری از سراسر جهان روند اصلاحات را با شکست مواجه کرد.

با توجه به اینکه از یک سو بر اثر اعتراض‌های اجتماعی در هشت کشور مورد مطالعه، قرارداد اجتماعی جدیدی بین جامعه و دولت شکل نگرفته است و از سوی دیگر، کماکان مشکلات ساختاری و کارگزاری در این کشورها مانند فساد، ناکارآمدی، بی‌عدالتی و غیره باقی مانده‌اند؛ پیش‌بینی می‌شود در آینده در کشورهای مورد مطالعه اعتراض‌های مردمی دوباره اوج بگیرد. در واقع عوامل موجد اعتراض‌ها و ناآرامی‌هایی که در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ کشورهای مورد مطالعه را ملتهب کرد کماکان وجود دارد و این کشورها مستعد دور جدیدی از اعتراض‌های مردمی هستند.

کشور	فرجام اعتراض‌ها		سیاست دولت در قبال اعتراض‌ها	نتیجه نهایی
	تغییر کارگزار	تغییر ساختار		
تونس	✓	×	سرکوب	اعاده قرارداد اجتماعی پیشین
مصر	✓	×	سرکوب	اعاده قرارداد اجتماعی پیشین
لیبی	✓	✓	سرکوب	عدم توافق بر سر قرارداد اجتماعی جدید
یمن	✓	✓	سرکوب	عدم توافق بر سر قرارداد اجتماعی جدید
اردن	✓	×	تغییر هدفمند و کنترل شده کارگزار	عدم انعقاد قرارداد اجتماعی جدید
سوریه	×	×	سرکوب و اصلاح قرارداد اجتماعی	عدم انعقاد قرارداد اجتماعی جدید
بحرین	×	×	سرکوب و ایجاد رفاه نسبی	عدم انعقاد قرارداد اجتماعی جدید
عربستان	×	×	سرکوب و ایجاد رفاه نسبی	عدم انعقاد قرارداد اجتماعی جدید

References

- Agostino, F; Gaus, G (2021). Contemporary Approaches to the Social Contract, <https://plato.stanford.edu/entries/contractarianism-contemporary>
- Ahmadi, Ali; Saeedinhai, Vahid (2008). A comprehensive description of research methods. Tehran: Knowledge Production Publications. **[In Persian]**
- Ali, Z. (2019). Iraqis demand a country, Middle East Report, Vol. 292, No. 3. **[In Persian]**
- Akhavan Kazemi, M; Veici, S (2012). John Rawls and International Justice. Research Letter of Political Science.7(1),7-37 **[In Persian]**.
- Al Jazeera (2018). Iraq: Election results within two days, turnout at record low, <https://www.aljazeera.com/news/2018/5/13/iraq-election-results-within-two-days-turnout-at-record-low>
- Al Jazeera (2018). Jordan protests: What you should know. Al Jazeera, (link)
- Al Jazeera (2019). Jordan teachers end four-week strike in pay deal with government, (link)
- Arab Barometer, V (2019). Iraq Country Report (Arab Barometer: Princeton), PP 7.
- Aramesh, A; Abedi, M; Mirhosini, M (2016). A Comparative Study of the Foreign Policy of Iran and Saudi Arabia in Relation to the Developments in Bahrain (20112016 -), Thesis, Yazd University. **[In Persian]**
- Aziza, S (2018). How Saudi Arabia's reforms mask political oppression, Pulitzer Center.
- Azhari, T (2020). Lebanon will shut airport, restrict movement over coronavirus. Al Jazeera, 16 Mar. 2020.
- Barany, Z (2020). Foreign contract soldiers in the Gulf, Carnegie Middle East Center, Gross and Ghafar.
- Barbuscia, D (2018). Bahrain promised \$10 billion of support from Gulf neighbours. Reuters, link

- Berger, M (2019). Palestinian in Israel, Foreign Policy, <https://foreignpolicy.com/>
- Breiner, J (2020). Two thousand Israelis brave coronavirus fears to protest assault on democracy. Haaretz. link
- Cofman Wittes, T ; Mizrahi-Arnaud, Y (2019). Is Israel in democratic decline?, Policy brief, Brookings Institution.
- Cornish, C (2020). Beirut explosion: "In the blink of an eye, the whole world changed". Financial Times. link
- Dadgar, Y; Mahmoodvand, H (2022). Analyzing the relationship between inequality and social unrest: Iran and the selected countries. The Journal of Economic Studies and Policies, 9(1), PP 116-141. **[In Persian]**
- Devarajan, S; Ianchovichina, E (2017). A Broken Social Contract, Not High Inequality, Led to the Arab Spring, Review. of Income and Wealth, Series 64, No. S1.
- El Yaakoubi, A (2020). Renewed unrest grips Bahrain after authorities execute activists. Reuters, link
- Foisneau, L (2010). Governing a Republic: Rousseau's General Will and the Problem of Government. Republics of Letters: A Journal for the Study of Knowledge, Politics and the Arts 2, No. 1
- Friedman, B. (2012). Battle for Bahrain: What one uprising meant for the Gulf states and Iran. World Affairs, vol. 174, No. 6, PP 74–84.
- Francis, E (2017). Hundreds protest Lebanese parliament's proposed tax hikes. Reuters, link
- Freedom House (2021). Freedom in the world 2021: Bahrain
- Hassan, F; Rubin, A. J (2019). Iraq's new election law draws much criticism and few cheers, New York Times.
- Hartnett, A. S (2016). Can Jordan's new prime minister reform the government?. Washington Post.

- Herb, Michael (1990). All in the Family: Absolutism, Revolution, and Democracy in the Middle Eastern Monarchies.
- HRW (2020). Iraq: lethal force used against protestors.
- Ibrahim, A (2020). Mustafa al-Kadhimi ends Iraq deadlock but new PM faces hurdles. Al Jazeera. link
- Jean-Jacques Rousseau, J (2005). Perpetual Peace, in Roger D. Masters and Christopher Kelly ed. Collected Writings of Rousseau, Vol. 11, PP 48-9.
- Karasapan, Omer (2015). Toward a new social contract in Tunisia. The Brookings Institution, <https://www.brookings.edu/blog/future-development/2015/10/27/toward-a-new-social-contract-in-tunisia/>
- Kasbarian, S; Mabon, S (2016). Contested spaces and sectarian narratives in post-uprising Bahrain. Global Discourse, Vol. 6, No. 4.
- Khodabakhshi, L (2021). Investigating the Military and Political Crises in Syria and the Solutions to Overcome this Crisis (Dimensions and Approaches). International Studies Journal, 18(1), PP 45-62. **[In Persian]**.
- Kukutschka, R. M. B; Vrushi, J. (2021). Global Corruption Barometer: Middle East and North Africa 2020. Berlin, Transparency International.
- Legatum Institute. (2019). Legatum Prosperity Index: Saudi Arabia.
- Lewis, L. and; Mansour, C (2020). Fire, injury and death: What's happening in Lebanon's Tripoli? Middle East Monitor. link
- Lis, J (2020). After securing lawmakers endorsements, Netanyahu tasked with forming a government. Haaretz.
- Loewe, M; Trautner, B; Zintl, T (2019). The Social Contract: An Analytical Tool For Countries In The Middle East And North Africa (Mena) And Beyond. German Development Institute.
- Issam Fares Institute for Public Policy and International Affairs. (2019). Forest

- fires in Lebanon: A recurring disaster. American University of Beirut, 12 Dec. 2019; and Hodali, D. Lebanon—Telecommunication in government hands, Deutsche Welle, 7 May 2019.
- Jager, A. (2018). The myth of compulsory military service in Israel.. Jerusalem Post.
- Raz, D (2019). Youth in Middle East and North Africa (Arab Barometer: Princeton), pp. 8–10.
- RAID KHAN, A, ASIF, S. (2019). ARAB SPRING FAILURE: A CASE STUDY OF EGYPT AND SYRIA, LIBERAL ARTS AND SOCIAL SCIENCES INTERNATIONAL JOURNAL LASSIJ.
- sabzehei, M. T. (2007). Civil society, organized social contract: O analysis comparing those of Hobbes, Rousseau and depreciable. Public Law Research, 9(22), 67-99 [In Persian].
- Saeedi Rad, A., Esmaili, M., & Allakbaribanghoraey, A. (2022). The Whys and Wherefores of the Continuation of Failed States in MENA: From Arab Spring to Coronavirus Disease. International Studies Journal (ISJ), 18(4), 43-64. doi: 10.22034/isj.2022.310564.1633 [In Persian]
- Schwedler, J. (2018). Routines and ruptures in anti-Israeli protests in Jordan, eds F. Volpi and J. M. Jasper, *Microfoundations of the Arab Uprisings: Mapping Interactions between Regimes and Protesters* (Amsterdam University Press: Amsterdam, 2018), pp. 67–88.
- Schechter, A. (2012). A short guide to Israel's social protest. Haaretz, 11 July.
- Smooha, S. (1997). Ethnic democracy: Israel as an archetype. *Israel Studies*, vol. 2 no. 2 (Fall 1997), pp198–241.
- Middle East Eye. (2019). Key Bahrain activists not among hundreds having citizenship restored.
- Middle East Eye. (2020). Coronavirus: Bahrain to pay private sector salaries for three months, 8 Apr.

- Murdock, H. (2020). Coronavirus is “break, not defeat”, Iraqi activists say, Voice of America.
- Obeidat, S. (2016). Jordan’s 2016 constitutional amendments: A return to absolute monarchy?, ConstitutionNet. International Institute for Democracy and Electoral Assistance (International IDEA), 27 May 2016.
- Transparency International. (2022). Corruption Perceptions Index 2021 (TI: Berlin, 2021)
- United Nations. (2021). Department of Economic and Social Affairs. World Population Prospects, <https://population.un.org/wpp/DataQuery>
- Van Heuvelen, B. and Lando, B. (2021). Oil revenues crash, dragging Iraq deeper into crisis, Iraq Oil Report.
- World Bank. (2021). Building for Peace: Reconstruction for Security, Equity, and Sustainable Peace in MENA. <https://www.unwomen.org/en/news/in-focus/womenpeace>.
- World Bank. (2021). Unemployment and youth unemployment in the Middle East and North Africa, <https://data.worldbank.org/indicator/SL.UEM.1524.ZS>
- World Bank. (2022). Lebanon is in the midst of economic, financial and social hardship, situation could get worse, Press release.
- Wootliff, R. (2018). Chief justice to PM: Bill for 61 MKs to overturn rulings “a danger to democracy”. Times of Israel.
- Wootliff, R. (2017). Newspaper publisher said to be at center of Netanyahu probe, Times of Israel, 8 Jan.
- yazdani, H. (2011). “STATE LIABILITY: THE OUTCOME OF CONFRONTATION BETWEEN STATE AND CIVIL SOCIETY”. Law Quarterly, 41(3), 335-354 [In Persian].
- Zibaei, M. (2021). The Historical Sociology of Social Contract in the Arab World. Political Strategic Studies, 10(37), 205-233. doi: 10.22054/qps.2020.50068.2456 [In Persian].